

بررسی شیوه‌های والدینی و تأثیر آن بر تحصیلات فرزندان*

Parenting Styles and Their Effect on Children's Education*

Abdollah Motamedi, [✉] Ph.D.

دکتر عبدالله معتمدی*

Abstract

Survey of parenting styles and determining the relationship between these styles and children's education were the main aims of this research. The subjects were students (grade five) and their parents in Chahar Mahal-va-Bakhtiari province. The students were selected based on stratification method, but the parents were selected purposely. Data were gathered by the "Parenting Styles and Dimensions Questionnaire" (PSDQ). Data were analyzed by statistical procedures such as t-test, Pearson correlation and analysis of variance in general linear model with SPSS 11 software. Analyses showed that the majority of authoritative styles was the most frequent parenting style among fathers as well as mothers. Both fathers and mothers were more authoritative with their daughters, while, they were more authoritarian with their sons. There was no significant difference between the fathers' authoritative style in the privileged and non-privileged areas. However, in the non-privileged areas,

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی شیوه‌های والدینی و تعیین چگونگی ارتباط بین شیوه‌های والدینی با وضعیت تحصیلی فرزندان بود. جامعه آماری تحقیق شامل دو جامعه؛ جامعه اول جامعه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در استان چهارمحال و بختیاری و جامعه دوم شامل پدران و مادران این دانش‌آموزان بودند. از جامعه دانش‌آموزان پایه پنجم به روش طبقه‌ای و به طور هدفمند نمونه‌ای انتخاب شد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری تحقیق شامل پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی و پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری و سپس آن اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی، آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس در قالب مدل عمومی خطی با استفاده از نرم‌افزار آماری پژوهشی SPSS ۱۱ تجزیه و تحلیل شد. تحلیل اطلاعات نشان داد پدران و مادران هر دو در مقابل دختران مقتدرانه‌تر عمل کرده و در مقابل پسران مستبدانه‌تر عمل می‌کردند. در حالیکه شیوه مقتدرانه نزد پدران در مناطق محروم و برخوردار تفاوت معنی‌داری نداشت اما پدران مناطق محروم

✉ Shahr-e-Kord University, I.R. Iran. Email:
a_moatamedi@yahoo.com Tel: (+98)381-442 44 10

* دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۲/۵، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۴/۳۰
* استادیار دانشگاه شهرکرد

fathers had more authoritarian style. Finally, there was a correlation between parenting styles and the children's educational achievement, but the correlation was positive only between authoritative style and the children's educational achievement.

Keywords: educational achievement, parenting style, authoritarian, authoritative, permissive children.

مستبدانه‌تر عمل می‌کردند و در نهایت محاسبه همبستگی بین شیوه‌های والدینی و وضعیت تحصیلی در همه ابعاد وجود داشت با این تفاوت که تنها بین وضعیت تحصیلی و شیوه مقتدرانه والدین رابطه مثبت وجود داشت.

کلید واژه‌ها: شیوه‌های والدینی، وضعیت تحصیلی، استبدادی، مقتدرانه، سهل‌گیرانه، فرزندان.



● مقدمه

در ادبیات پژوهشی، ابعاد مختلف از شیوه‌های والدینی مطرح شده است. یک دامنه آن که به نظر می‌رسد با نتایج عملکرد «مدرسه» در ارتباط باشد «مهار والدینی» است. که این مفهوم در قالب واژه‌هایی چون «محدودیت» (بکر، ۱۹۶۴)، «مهار» (شافر، ۱۹۵۹) و «استبداد» (بالدوین، ۱۹۴۹)، مطرح شده است و براساس استفاده والدین از زور برای رسانیدن کودک به حد قابل قبول و یا وادار کردن او به اطاعت مشخص شده است. نقطه مقابل، بعد مهار و محدودیت به عنوان یک شیوه سهل‌گیرانه تعریف شده است (بکر، ۱۹۶۴)، که به معنای فقدان نظارت و یک رویکرد منفعلانه نسبت به تربیت کودک است. از سوی دیگر بالدوین (۱۹۴۹)، یک شیوه دموکراتیک را متمایز کرد که آن به رویکرد فعالی اشاره دارد که طی آن دیدگاه‌های کودک مورد توجه قرار می‌گیرد و برای تسهیل انتخاب او اطلاعاتی فراهم می‌شود.

بر اساس تعریفی که بامریند (۱۹۷۱)، از شیوه‌های والدینی، ارائه کرده است سه شیوه «استبدادی»^۱، «مقتدرانه»^۲ و «سهل‌گیرانه»^۳ مطرح شده است. طبق این دسته‌بندی، والدینی که در تعاملات خود با کودکان کمتر گرم برخورد کرده و مهار زیادی را بر آنها اعمال می‌کنند در سبک «استبدادی» طبقه‌بندی می‌شوند و والدینی که کودکان خود را مهار می‌کنند و همچنین با گرمی پذیرای آنها هستند در طبقه «مقتدرانه» قرار گرفته و والدینی که نه مهار بر کودکانشان دارند و نه آنها را مورد توجه قرار می‌دهند و اگر کودکان درخواستی داشته باشند خیلی کم توجه می‌کنند در گروه «سهل‌گیرانه» قرار می‌گیرند (آمی و همکاران، ۲۰۰۲).

شیوه‌های والدینی سه گانه «مستبدانه»، «آزاد منشانه» و «مقتدرانه» بامریند (۱۹۷۸)، اغلب در

مطالعاتی که پیرامون شیوه‌های والدینی است، استفاده شده است و ارتباط شیوه‌های والدینی با متغیرهای برونداد کودک همچون پیشرفت تحصیلی، اعتماد به نفس، پرخاشگری، رفتار بزهکارانه و استعمال مواد مخدر تعیین گردیده است (شامو، واندل، پوسنر، ۱۹۹۸). در مطالعه‌ای از نوجوانان دورنبوش و همکاران (۱۹۸۷) پی بردند که شیوه‌های والدینی «سلطه‌گرانه» و «آزاد منشانه» با پایه‌های بالاتر رابطه منفی داشته در حالی که شیوه والدینی «مقتدرانه» با پایه‌های بالاتر رابطه مثبت داشت. در مطالعه‌ای که درباره دانش آموزان نوجوان اقلیتها (امریکایی اسپانیایی، آمریکایی آفریقایی و آمریکایی آسیایی) شده بود بوجا (۱۹۹۸)، نشان داد نوجوانانی که والدینی با شیوه مقتدرانه دارند با فعالیتهای یادگیری و مطالعات راهبردی بیشتر درگیر می‌شوند. کودکان طرد شده در خانواده از سوی بیشتر افراد گروه همسالان نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. و در مقایسه با افراد مقبول گروه این بچه‌ها بیشتر تعامل منفی با همکلاسی‌های خود دارند کمتر فعالیت تحصیلی داشته و از سوی معلمان بیشتر افرادی منحرف و افسرده قلمداد می‌شوند.

بخش زیادی از تحقیقات، شیوه‌های والدینی مقتدرانه را با پیشرفت تحصیلی و رفتارهای جامعه پسند مرتبط دیده‌اند دورنباخ و همکاران (۱۹۸۷) پی بردند که شیوه والدینی مقتدرانه، با عملکرد بالغانه در مدرسه رابطه مثبت دارد در حالیکه بین الگوی مستبدانه و سهل‌گیرانه با عملکرد تحصیلی رابطه منفی وجود دارد.

در طول چند دهه پژوهش، نشان داده شده که اقتدار والدین با گستره‌ای از شناخت و نتایج اجتماعی عاطفی مثبت، مرتبط بوده است به عنوان مثال شیوه والدینی مقتدرانه با «پیشرفت تحصیلی بهتر» (شوارتز و وس، ۱۹۹۶؛ وینتر و یافی، ۲۰۰۰)، با «انطباق بهتر» (یعنی نگرانی روانشناختی کمتر، مشکلات رفتاری کمتر، ارتباط بهتر با همسالان (فلوگنی و اکلس، ۱۹۹۳؛ سلیکر، ۱۹۹۸)، سطح بالاتر شایستگی، عزت نفس بالاتر، استقلال و اعتماد به نفس بیشتر (بامریند، ۱۹۸۳) مرتبط بوده است.

در طول دو دهه گذشته تلاشهای متعددی برای بررسی مزایای کلی شیوه والدینی مقتدرانه، انجام شده است. اشتینبرگ، و همکاران (۱۹۹۱)، حدود ده هزار دانش آموز دبستانی را در قالب یک نمونه آماری در آمریکا مطالعه کردند. آنها را در قالب «قومیت»، «وضعیت اقتصادی اجتماعی» و «ساختار خانواده» طبقه‌بندی شدند و مشاهده گردید که بین عوامل بوم شناختی و شیوه والدینی مقتدرانه همبستگی مثبت وجود دارد. با این وجود یک تحلیل نشان داد که جوانان آمریکایی - آفریقایی از شیوه والدینی مقتدرانه بهره‌ای نمی‌گیرند و این شیوه تأثیری بر پیشرفت

تحصیلی آنها ندارد (اشتینبرگ، دورنباخ و براون، ۱۹۹۲). شاید در محیطی که نتایج نافرمانی از قوانین والدین خیلی جدی گرفته شده و به فرد و دیگران آسیب رساند، یک شیوه مستبدانه‌ای که از زور استفاده می‌کند مانند دیگر شیوه‌ها مؤثر باشد (بردوی و فلور، ۱۹۹۸).

رودی و گروسک (۲۰۰۱)، نشان دادند که در گروه‌های فرهنگی که بر استقلال و خود مختاری تأکید می‌شود، الگوی والدینی مستبدانه، با «شناخت» و «عاطفه» رابطه منفی دارد. اما در گروه‌هایی که بر وابستگی درونی تأکید می‌شود و از افراد خواسته می‌شود به بزرگترها احترام گذارند، الگوهای والدینی مستبدانه تأثیر منفی بر شناخت و عاطفه نمی‌گذارد. آنها به این نتیجه رسیدند که این الگوی رفتار، مستبدانه یا مقتدرانه نیست که اهمیت داشته باشد بلکه ترکیبی از شناختها انتسابها و عواطف است که در جریان این الگوهای رفتاری اثرگذار می‌شود.

دخالت خانواده در تعلیم و تربیت می‌تواند «پیشرفت آموزشی» کودک را پیش بینی کند. تحقیقاتی که در زمینه تعلیم و تربیت و در رابطه با تحول صورت پذیرفته است، نشان داده‌اند که نگرش، شیوه‌های تعاملی و رفتار والدین و ارتباط آنها با مدرسه با تحول اجتماعی کودک و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد (کریستنسون و شریدان، ۲۰۰۱). بیتون و همکاران (۱۹۹۶)، بیان می‌کنند که کشورهای آسیایی در ریاضیات در پایه چهارم و هشتم، عملکرد تحصیلی بالاتر از متوسط بین‌المللی نشان می‌دهند در حالی که این امر در ایالات متحده زیر حد متوسط است. همچنین استیونسون و لی (۱۹۹۰)، نشان دادند که کودکان آمریکایی در طول دبستان نسبت به کودکان تایوانی و ژاپنی عملکرد تحصیلی ضعیفی در ریاضیات داشتند. برای این یافته، توضیحات متفاوتی ارائه شده است. یکی از عواملی که در این رابطه مورد توجه قرار گرفته است، عامل «والدین» است. گفته شده است درگیری والدین با تکالیف مدرسه و دیگر فعالیتهای یادگیری در خانه و مدرسه عامل مؤثری در پیشرفت تحصیلی بوده است (کریسپلس، ۱۹۹۶).

در یک جمع‌بندی اجمالی از ادبیات پژوهشی مربوط به تأثیر شیوه‌های والدینی، مشاهده شد که نظرها و تحقیقات گوناگونی درباره شیوه‌های والدینی ارائه شده است. در اینجا این سؤال مطرح است که در فضای جغرافیایی استان چهارمحال و بختیاری، شیوه‌های والدینی چگونه است و اینکه بین شیوه‌های والدینی و وضعیت تحصیلی فرزندان آنها چه ارتباطی وجود دارد و آیا شیوه‌های والدینی در برخورد با دختران و پسران و همچنین در مناطق محروم و برخوردار، متفاوت است؟ و آیا رابطه بین شیوه والدینی و وضعیت تحصیلی دانش آموزان تحت تأثیر دیگر متغیرهای جمعیت شناختی (مانند سن، جنس، تحصیلات، منطقه، محل سکونت و ...) قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این سؤالات تحقیق حاضر به روش زیر انجام شد.

● روش

○ تحقیق حاضر نوعی تحقیق زمینه‌یابی بود و اطلاعات مورد نیاز از طریق اجرای ابزارهای تحقیق و مراجعه به اسناد آموزشی برای بررسی وضعیت آموزشی دانش‌آموزان اجرا شد.

○ «جامعه آماری» تحقیق حاضر شامل دو جامعه بود: الف. جامعه دانش‌آموزی که به طور عمده دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در استان چهارمحال و بختیاری بودند و ب. پدران و مادران این دانش‌آموزان از جامعه دانش‌آموزان پایه پنجم به روش طبقه‌ای و به طور هدفمند* نمونه‌ای انتخاب شد. طبقات در این نمونه‌گیری مناطق مختلف جغرافیایی استان بودند که به شرح زیر مدنظر قرار گرفته و نمونه‌های مورد نظر از آن‌ها انتخاب شد. در مرحله نخست از مناطق شهری شهرستان شهرکرد ۵ آموزشگاه شامل ۳ آموزشگاه از شهر شهرکرد و دو آموزشگاه از شهرهای بزرگ شهرستان که در این نمونه‌گیری شامل سامان و بن بود انتخاب شد. سپس از مناطق شهری شهرستان بروجن، آموزشگاه شامل ۲ آموزشگاه از شهر بروجن و یک آموزشگاه از بُلداجی انتخاب شد. در مرحله بعد از مناطق غیربرخوردار شامل فارسان، لردگان، کوهنگ و اردل به ترتیب ۳، ۴، ۲ و ۳ آموزشگاه انتخاب شد. بنابراین نمونه آماری، شامل ۲۰ آموزشگاه استان بود که در هر آموزشگاه دانش‌آموزان پایه پنجم مورد بررسی واقع شدند در هنگام اجرا نیز اگر یکی از آموزشگاه‌ها بیش از دو کلاس پنجم داشت یک کلاس به طور تصادفی انتخاب می‌شد و اگر کلاس پنجم نداشت یا تعداد دانش‌آموزان کلاس پنجم کم بودند از دانش‌آموزان کلاس چهارم نیز استفاده شد.

○ متغیرهای مختلف تحقیق با استفاده از «ابزارهای اندازه‌گیری» مشخص، اندازه‌گیری شد علاوه بر آن در این تحقیق وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس معدل آنها تعیین شد. ابزارهای اندازه‌گیری در این تحقیق عبارت بودند از:

□ الف. «پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی»^۴ (روبینسون و همکاران، ۱۹۹۵) شامل ۳۲ اظهار (گزارش)، از واکنش‌های مختلف والدین در مقابل رفتار فرزند است. هدف این ابزار اندازه‌گیری در راستای پیوستار گونه‌شناسی، مستبدانه، اقتدارگرایانه و سهل‌انگارانه بامریند (۱۹۸۹)، است.

* با توجه به این که در این تحقیق هدف اصلی بررسی سبک والدینی والدین دانش‌آموزان و تأثیر آن بر وضعیت تحصیل آن‌ها بود نمونه‌های تحقیق از دو منطقه برخوردار و محروم استان انتخاب شدند در مناطق برخوردار آموزشگاههایی مدنظر قرار گرفتند که در نقاط نسبتاً مرفه‌تر بودند و در مناطق محروم آموزشگاه‌ها از مناطق نسبتاً محروم‌تر انتخاب شدند. این شیوه نمونه‌گیری هر چند باعث شد نمونه انتخاب شده معرف کل جامعه نباشد اما در فهم دقیق‌تر از پراکندگی سبک والدینی خانواده‌ها و همین‌طور تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثرتر بود.

«پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی» با بالاترین میانگین، تصویری از شیوه والدین را تعیین می‌کند. ضرایب روایی آن برای مادران ۰/۶۸ و برای پدران ۰/۷۰ بود. در حالی که ضرایب روایی برای اینجای صورتی (میشل، ۲۰۰۴). علاوه بر این روایی پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی در اینجا روایی صورتی نیز بود. برای تعیین روایی صورتی در اینجا متن ترجمه شده پرسشنامه به دو تن از اساتید زبان انگلیسی داده شد تا به انگلیسی برگردانند، با تطبیق متن انگلیسی با متن اصلی، روایی صورتی پرسشنامه تعیین شد. همان طور که گفته شد این پرسشنامه توسط پدر و مادر دانش آموز، پاسخ داده شد.

وقتی پرسشنامه توسط پدر پاسخ داده شد اعتبار آن با شیوه دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۷۷ و همبستگی بین دو نیمه آن ۰/۶۴ و ضریب همسانی درونی (آلفا) برای نیمه اول ۰/۷۲ و برای نیمه دوم ۰/۹۷ بود. همچنین ضریب همسانی درونی (آلفا) برای کل پرسشنامه ۰/۸۴ بود. وقتی پرسشنامه توسط «مادر» پاسخ داده شد اعتبار آن با شیوه دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۷۸ و همبستگی بین دو نیمه آن ۰/۶۴ و ضریب همسانی درونی (آلفا) برای نیمه اول ۰/۷۳ و برای نیمه دوم ۰/۷۹ بود. همچنین ضریب همسانی درونی (آلفا) برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که شاخص‌های آماری به دست آمده از هر دو منبع (پدران و مادران) تقریباً یکسان و جملگی حکایت از دقت و قدرت پرسشنامه دارند. وقتی تنها نیمی از ۶۴ سؤال پرسشنامه را که مربوط به «پدر» است و خود در مورد شیوه خود، قضاوت کرده است در نظر بگیریم اعتبار آن با شیوه دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۷۵ و همبستگی بین دو نیمه آن ۰/۶۰ و ضریب همسانی درونی (آلفا) برای نیمه اول ۰/۴۶ و برای نیمه دوم ۰/۶۳ می‌شود. همچنین ضریب همسانی درونی (آلفا) برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ می‌شود و وقتی قضاوت مادر را تنها در مورد مد نظر قرار دهیم نیز نتایجی تقریباً مشابه به دست می‌آید.

○ از دیگر شاخص‌های مربوط به تعیین روایی «پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی» که در جریان این تحقیق اجرا شد، استفاده از تحلیل عاملی بود. در این جا از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی با استفاده از چرخش متعامد از نوع واریما کس استفاده شد. ابتدا این تحلیل روی نمرات خام ۶۴ ماده پرسشنامه اجرا شد. شیوه نمره گذاری در مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ بود. اجرای آزمون KMO و بارتلت روی داده‌ها قابلیت ماده‌های مقیاس را برای انجام تحلیل عوامل مورد تأیید قرار داد زیرا ضریب KMO معادل ۰/۸۰ رضایت بخش بود و نتیجه آزمون بارتلت نیز مقدار x^2 را برابر ۱۹۹۹۲/۶۲ نشان داد که این مقدار نیز با $df=۲۰۱۶$ در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنی دار بود.

○ در جدول ۱ کل واریانس‌های توضیح داده شده به وسیله عواملی که مقدار ویژه بالاتر از

ارزش یک داشته‌اند ارائه شده است. اولین عامل ۱۸/۵۲ درصد واریانس را تبیین و مجموعه عوامل ۴۹/۵۴ درصد از کل واریانس را تبیین کرده‌اند.

جدول ۱- کل واریانس توضیح داده شده

مؤلفه	مجموع مجذور بارهای استخراج شده			مجموع مجذور بارهای چرخش یافته		
	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۵/۹۲	۱۸/۲۵	۱۸/۲۵	۳/۳۲	۱۰/۳۸	۱۰/۳۸
۲	۳/۶۵	۱۱/۴۲	۲۹/۹۳	۳/۰۱	۹/۴۱	۱۹/۷۹
۳	۱/۷۱	۵/۳۶	۳۵/۲۹	۲/۶۷	۸/۳۴	۲۸/۱۳
۴	۱/۲۲	۳/۸۲	۳۹/۱۱	۲/۲۳	۶/۹۸	۳۵/۱۰
۵	۱/۱۵	۳/۶۰	۴۲/۷۱	۱/۸۲	۵/۷۰	۴۰/۸۰
۶	۱/۱۲	۳/۴۹	۴۶/۱۹	۱/۵۷	۴/۹	۴۵/۷۰
۷	۱/۰۷	۳/۳۵	۴۹/۵۴	۱/۲۳	۳/۸۴	۴۹/۵۴

استخراج ۷ عامل از تحلیل عاملی با خرده عامل‌های «پرسشنامه ابعاد و شیوه والدینی» مطابقت دارد. «شیوه مقتدرانه» دارای سه خرده عامل، «شیوه مستبدانه» نیز دارای سه خرده عامل و «شیوه سهل‌انگارانه» نیز در قالب یک عامل در پرسشنامه تعبیه شده است. در جدول ۲ می‌توان با استفاده از بار عاملی هر سوال مؤلفه‌های مربوط به آن را شناسایی و سؤالات هر مؤلفه را با توجه به مقادیر بار عاملی آنها در یک طبقه قرار داد آن چنان که مشاهده می‌شود بین نتایج به دست آمده از اطلاعات جدول و طبقه بندی سؤالات در خرده عامل‌های پرسشنامه تطابق نسبتاً مناسبی وجود دارد. در مجموع به نظر می‌رسد تحلیل عاملی انجام شده چارچوب کلی پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی را در خرده عامل‌های آن پرسشنامه تأیید می‌کند.

□ ب. پرسشنامه محقق ساخته: در راستای جمع‌آوری سایر اطلاعات لازم برای بررسی نقش متغیرهایی چون وضعیت تحصیلی، سن، منطقه محل سکونت، سطح تحصیلات والدین، جمعیت خانواده، دوره، پایه تحصیلی و معدل دانش‌آموزان این پرسشنامه طراحی و اجرا شد.

○ با توجه به اهداف تحقیق حاضر از شاخص‌های مختلف آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. قبل از آن در یک بخش از فعالیت تحقیق اقدامات آماری گسترده‌ای برای تنظیم و همچنین تعیین روایی و اعتبار ابزارهای تحقیق صورت پذیرفت. در این راستا از تحلیل عاملی برای تعیین مؤلفه‌ها و همچنین تعیین شاخص‌های آماری مرتبط با تعیین اعتبار ابزارهای تحقیق مانند محاسبه ضریب همسانی درونی (آلفا) و ضریب دو نیمه کردن استفاده

شد. در راستای بررسی سؤالات اساسی تحقیق از شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. مهم‌ترین آزمون‌های آماری استفاده شده در این تحقیق آزمون t بود. از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه بین متغیرها استفاده شد و علاوه بر این به منظور تحلیل واریانس اطلاعات مورد نظر در قالب «الگوی عمومی خطی»^۵ بررسی شد.

● نتایج

همان‌طور که گفته شد «پرسشنامه ابعاد و شیوه‌های والدینی» در اختیار هریک از والدین به طور جداگانه قرار گرفته و هر یک از آنها ضمن اینکه در مورد رفتار خود با فرزندش اظهاراتی را داشت در مورد رفتار همسرش با فرزندشان نیز قضاوت می‌کرد. بنابراین نتیجه اجرای این پرسشنامه برای یک کودک خاص شامل چهار نگرش است. نگرش اول «نگرش پدر به نحوه برخورد خود با کودک» نگرش دوم «نگرش مادر به نحوه برخورد خود با کودک» نگرش سوم مربوط به قضاوتی است که پدر در مورد رفتار مادر با کودک دارد و بالاخره نگرش چهارم مربوط به قضاوتی است که مادر در مورد رفتار پدر با کودک دارد. نتایج حاصل از اجرای این پرسشنامه در چهار نگرش فوق‌الذکر در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- شیوه والدینی براساس ارزیابی والدین از نحوه تعامل خود یا همسرشان با فرزندشان

نسبت (درصد)	شیوه والدینی (شیوه تعامل با فرزند)	درمورد	ارزیابی کننده
۳۵/۵	سهل گیرانه	خود	پدر
۲۲/۷	مستبدانه		
۸۷/۴	مقتدرانه		
۴۱/۲	سهل گیرانه	همسر	پدر
۲۵/۴	مستبدانه		
۸۸/۶	مقتدرانه		
۲۴/۰	سهل گیرانه	خود	مادر
۲۵/۹	مستبدانه		
۸۷/۶	مقتدرانه		
۴۳/۳	سهل گیرانه	همسر	مادر
۲۴/۴	مستبدانه		
۸۷/۹	مقتدرانه		

براساس اطلاعات ارائه شده ۷۸/۴ درصد از پدران شیوه‌های مقتدرانه، ۳۵/۵ درصد

سهل‌گیرانه و ۲۲/۷ درصد مستبدانه داشته‌اند. پدران در درجه نخست شیوه والدینی همسران خود را مقتدرانه سپس سهل‌گیرانه و در نهایت مستبدانه دانسته‌اند. براساس قضاوتی که مادران در مورد رفتار خود با کودک ارائه کرده‌اند شیوه‌های مقتدرانه و سپس شیوه‌های سهل‌گیرانه بیش از شیوه مستبدانه به کار گرفته شده‌است همچنین مادران معتقدند پدران عمدتاً شیوه مقتدرانه و کمتر شیوه مستبدانه داشته‌اند.

○ به منظور این که مشخص شود آیا والدین دانش آموز دختر نسبت به والدین دانش آموز پسر شیوه متفاوتی از رفتار والدینی دارند اطلاعات مندرج در جدول ۳ ارائه شده است. آنچه در این جدول در مورد شیوه والدینی ارائه شده است مربوط به قضاوت پدران درباره شیوه خودشان است. اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد در هر سه شیوه بین والدین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و پدران در مقابل دختران مقتدرانه‌تر عمل می‌کنند. در مقابل نسبت به پسران مستبدانه‌تر عمل می‌کنند. اما این به معنای سهل‌گیری نسبت به دختران نیست بلکه برعکس پدران نسبت به پسران سهل‌گیرتر از دختران هستند.

جدول ۳- بررسی تفاوت بین شیوه‌های والدینی پدر در مقابل دختران و پسران

شیوه والدینی	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	میزان t	سطح معنی‌داری
شیوه مقتدرانه پدر	دختران	۲۸۴	۶۲/۰۶	۸/۰۵	۰/۴۸	۳/۴۲	۰/۰۰۱
	پسران	۳۵۸	۵۹/۸۰	۸/۵۵	۰/۴۵		
شیوه مستبدانه پدر	دختران	۲۸۴	۲۶/۸۶	۸/۶۱	۰/۵۱	۷/۰۶	۰/۰۰۰
	پسران	۳۵۸	۳۱/۴۷	۷/۷۴	۰/۴۱		
شیوه سهل‌گیرانه پدر	دختران	۲۸۴	۱۲/۳۹	۳/۷۶	۰/۲۲	۵/۳۸	۰/۰۰۰
	پسران	۳۵۸	۱۳/۹۷	۳/۶۰	۰/۹۱		

اگر شیوه والدینی را بر اساس قضاوت مادر در مورد «شیوه خود»، مدنظر داشته و به بررسی تفاوت آن شیوه‌ها در مقابل دانش آموزان دختر و پسر بپردازیم، اطلاعات مندرج در جدول ۴ به دست می‌آید. همان‌طور که مشاهده می‌شود تقریباً نتایج این جدول با جدول قبل یکسان است در اینجا نیز تفاوت‌های موجود در هر سه شیوه بین دختران و پسران معنی‌دار است و مادران نیز در مقابل دختران مقتدرانه‌تر عمل کرده و در عین حال که نسبت به دختران سخت‌گیری بیشتری دارند نسبت به پسران مستبدانه‌تر عمل می‌کنند.

جدول ۴- بررسی تفاوت بین شیوه‌های والدینی مادر در مقابل دختران و پسران

شیوه والدینی	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	میزان t	سطح معنی داری
شیوه مقتدرانه مادر	دختران	۲۸۴	۶۲/۸۷	۸/۹۴	۰/۴۷	۲/۸۵	۰/۰۰۵
	پسران	۳۵۸	۶۱/۰۱	۸/۴۱	۰/۴۴		
شیوه مستبدانه مادر	دختران	۲۸۴	۲۸/۰۱	۸/۸۸	۰/۵۳	۶/۴۴	۰/۰۰۰
	پسران	۳۵۸	۳۲/۳۸	۸/۱۰	۰/۴۳		
شیوه سهل‌گیرانه مادر	دختران	۲۸۴	۱۳/۱۵	۳/۸۱	۰/۲۳	۴/۲۶	۰/۰۰۰
	پسران	۳۵۸	۱۴/۴۲	۳/۶۷	۰/۱۹		

○ اطلاعات مندرج در جدول ۵ حاکی از آن است که به جز شیوه مقتدرانه پدر که در مناطق محروم و برخوردار تفاوتی نمی‌کند پدران مناطق محروم به طور معنی‌داری مستبدانه‌تر عمل می‌کنند و در عین حال شیوه‌های سهل‌گیرانه در پدران مناطق محروم بیش از مناطق برخوردار است. آنچه در جدول ۵ ارائه شد مربوط به شیوه‌های والدینی پدر بود (براساس قضاوتی که خود پدران در مورد شیوه والدینی خود داشتند). در جدول ۶ شیوه‌های والدینی مادران (براساس قضاوت خود مادران) در مناطق محروم و برخوردار مقایسه شده‌است. تحلیل اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد که مادران مناطق برخوردار نسبت به مناطق محروم مقتدرانه‌تر عمل می‌کنند. همچنین مادران مناطق محروم مستبدانه‌تر و سهل‌گیرانه‌تر عمل می‌کنند.

جدول ۵- بررسی تفاوت بین شیوه‌های والدینی پدر در مناطق محروم و برخوردار

شیوه والدینی	مناطق	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	میزان t	سطح معنی داری
شیوه مقتدرانه پدر	برخوردار	۲۷۸	۶۱/۴۲	۸/۰۶	۰/۴۸	۱/۶۳	۰/۱۰۳
	محروم	۳۶۴	۶۰/۳۳	۸/۶۳	۰/۴۵		
شیوه مستبدانه پدر	برخوردار	۲۷۸	۲۶/۸۸	۷/۷۱	۰/۴۶	۶/۹۱	۰/۰۰۰
	محروم	۳۶۴	۳۱/۳۸	۸/۴۷	۰/۴۴		
شیوه سهل‌گیرانه پدر	برخوردار	۲۷۸	۱۲/۷۳	۳/۹۵	۰/۲۴	۳/۱۶	۰/۰۰۲
	محروم	۳۶۴	۱۳/۶۸	۳/۵۴	۰/۱۸		

جدول ۶- بررسی تفاوت بین شیوه‌های والدینی مادر در مناطق محروم و برخوردار

شیوه والدینی	مناطق	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	میزان t	سطح معنی داری
شیوه مقتدرانه مادر	برخوردار	۲۷۸	۶۳/۳۴	۷/۵۶	۰/۴۵	۴/۱۵	۰/۰۰۰
	محروم	۳۶۴	۶۰/۶۹	۸/۵۸	۰/۴۵		
شیوه مستبدانه مادر	برخوردار	۲۷۸	۲۷/۰۵	۷/۳۱	۰/۴۴	۹/۴۰	۰/۰۰۰
	محروم	۳۶۴	۳۳/۰۵	۸/۸۲	۰/۴۶		
شیوه سهل‌گیرانه مادر	برخوردار	۲۷۸	۱۲/۸۶	۳/۸۹	۰/۲۳	۶/۰۲	۰/۰۰۰
	محروم	۳۶۴	۱۴/۶۲	۳/۵۱	۰/۱۸		

○ همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود «شیوه مستبدانه» پدر و مادر منفی‌ترین رابطه را با «وضعیت تحصیلی» دانش‌آموزان داشته است زیرا در هر دو مورد، همبستگی منفی و مقدار آن بیشتر از موارد دیگر بوده است «شیوه مقتدرانه» نیز مثبت‌ترین شیوه بوده است.

جدول ۷- همبستگی بین وضعیت تحصیلی و سبک‌های والدینی

شیوه‌های والدینی						
مقتدرانه پدر	مستبدانه پدر	سهل‌گیرانه پدر	مقتدرانه پدر	مستبدانه مادر	سهل‌گیرانه مادر	
۰/۱۵۱	-۰/۳۲۰	-۰/۱۳۹	۰/۱۱۳	-۰/۳۲۴	-۰/۲۲۰	میزان همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری
۵۷۸	۵۷۸	۵۷۸	۵۷۸	۵۷۸	۵۷۸	تعداد

○ به منظور تعیین عوامل اثرگذار بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از الگوی عمومی خطی استفاده شد. در این الگو ارتباط بین متغیرهای مختلف با متغیر وابسته که در اینجا معدل دانش‌آموزان بوده است مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۸ ارتباط بین شیوه‌های والدینی و دیگر متغیرها با معدل دانش‌آموزان بررسی شده است. اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۸ حاکی از آن است که:

۱. کل متغیرهای وارد شده در الگو توانسته‌اند حدود ۵۰ درصد واریانس مربوط به متغیر وابسته را توضیح دهند ($r^2 = ۰/۴۹۵$). ۲. از متغیرهای مربوط به دانش‌آموزان که با معدل آن‌ها مرتبط بوده است باید به منطقه، پایه تحصیلی، جنس و سن دانش‌آموزان اشاره کرد ($p < ۰/۰۱$).

جدول ۸. آزمون‌های تأثیرات بین آزمودنی‌ها (شیوه‌های والدینی و پیشرفت تحصیلی)*

منابع	نوع سوم مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مرجعات	F	سطح معنی داری
الگوی اصلاح شده	۱۵۸۷/۱۴	۴۲	۳۷/۸۹	۱۲/۶۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۷۰۶/۷۳	۱	۷۰۶/۷۳	۲۳۷/۳۳	۰/۰۰۰
جنس	۴۸/۸۸	۱	۴۹۸/۸۸	۱۶/۴۱	۰/۰۰۰
منطقه	۱۴۲/۱۹	۱۰	۱۴/۲۲	۴/۷۸	۰/۰۰۰
پایه	۹۰/۶۱	۲	۴۵/۳۰	۱۵/۲۱	۰/۰۰۰
شغل پدر	۱۳/۶۱	۶	۲/۲۷	۰/۷۶	۰/۶۰۰
تحصیلات پدر	۲۳/۷۹	۷	۳/۳۹	۱/۱۴	۰/۳۳۵
تحصیلات مادر	۴۷/۱۱	۶	۷/۸۵	۲/۶۴	۰/۰۱۶
شغل مادر	۲/۰۵	۱	۲/۰۵	۰/۶۹	۰/۴۰۷
شیوه مقتدرانه پدر	۴/۳۹	۱	۴/۳۹	۱/۴۸	۰/۲۲۵
شیوه مستبدانه پدر	۰/۶۴	۱	۰/۶۴	۰/۲۱۴	۰/۶۴۳
شیوه سهل گیرانه پدر	۰/۱۸	۱	۰/۱۸	۰/۰۶۰	۰/۸۰۷
شیوه مقتدرانه مادر	۵/۱۲	۱	۶/۱۲	۲/۰۶	۰/۱۵۲
شیوه مستبدانه مادر	۱۷/۰۶	۱	۱۷/۰۶	۵/۷۳	۰/۰۱۷
شیوه سهل گیرانه مادر	۱۴/۳۳	۱	۱۴/۳۳	۴/۸۱	۰/۰۲۹
سن دانش آموز	۳/۲۵	۱	۴/۲۵	۱۰/۱۶	۰/۰۰۲
سن پدر	۲/۲۱	۱	۲/۲۱	۰/۷۴	۰/۳۹۰
سن مادر	۰/۵۸	۱	۰/۵۸	۰/۱۹	۰/۶۶۰
خطا	۱۶۱۶/۹۸	۵۴۳	۲/۹۸		
کل	۱۸۱۹۸۱/۹۸	۵۸۶			
اصلاح شده کلی	۳۲۰۴/۱۲	۵۸۵			

* متغیر وابسته: معدل
 $R^2 = ۰/۴۵۶$ اصلاح شده $R^2 = ۰/۴۹۵$

* متغیر وابسته: معدل

۳. از شیوه‌های والدینی، تنها «شیوه والدینی مستبدانه» و «سهل گیرانه مادر» با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مرتبط بوده است. وقتی وضعیت پیشرفت تحصیلی مادران «مستبد» یا «غیرمستبد» مقایسه شد، مشاهده گردید که متوسط میانگین دانش آموزانی که مادران شان مستبد بود بیش از دو نمره کمتر از دانش آموزانی بود که مادران «غیرمستبد» داشتند. همچنین دانش آموزانی که مادران شان «سهل گیر» بودند نیز دو نمره کمتر از میانگین دانش آموزانی بود که مادران غیرسهل گیر داشتند و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی دار بود ($p < ۰/۰۱$). از دیگر متغیرهای مرتبط با والدین تنها تحصیلات مادر تأثیر معنی داری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته

است. دقت در اطلاعات توصیفی مربوط به معدل دانش‌آموزان سطح تحصیلات مادران نشان می‌دهد هر چه تحصیلات مادران بیشتر بوده است میانگین دانش‌آموزان نیز بیشتر بوده است. آن چنان که دانش‌آموزانی که مادران آن‌ها بی‌سواد بوده است، میانگین ۱۵/۹۳ داشته اما میانگین نمرات دانش‌آموزانی که مادران‌شان لیسانس و بالاتر بوده‌اند ۱۹ و بیشتر بوده است.

● بحث و نتیجه‌گیری

○ فعالیت عمده تحقیق حاضر «بررسی شیوه‌های والدینی و ارتباط آن با وضعیت تحصیلی فرزندان» آنها بود. به طور کلی سه شیوه «سهل‌گیرانه»، «مستبدانه» و «مقتدرانه» با استفاده از پرسشنامه ابعاد شیوه‌های والدینی «اندازه‌گیری شد. شیوه والدینی در اکثریت مطلق پدران (۸۷/۴ درصد) و همچنین مادران (۸۷/۶ درصد) «شیوه مقتدرانه» بود. این نسبت‌ها وقتی از منظر همسران نیز بررسی شد تأیید گردید. یعنی به اعتقاد اکثریت مطلق پدران، همسرانشان شیوه والدینی مقتدرانه داشته و به اعتقاد اکثریت مادران نیز همسرانشان شیوه والدینی مقتدرانه داشتند. کمترین نسبتها مربوط به شیوه «مستبدانه» و پس از آن شیوه «سهل‌گیرانه» بود اما در مجموع به نظر می‌رسد حدود ۲۵ درصد والدین به نوعی به شیوه «مستبدانه» نیز گرایش داشته‌اند و این نسبت تقریباً برای پدران و مادران یکسان بوده است هرچند همانطور که گفته شد اکثریت مطلق والدین از شیوه‌های مطلوب استفاده می‌کنند اما اینکه حدود یک چهارم نیز شیوه «مستبدانه» دارند جای بحث و تأمل است. در واقع به دلیل پیامدهای منفی شیوه مستبدانه این نسبت زیاد است و لازم است برای حل آن تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شود.

○ آنچه از تحلیل اطلاعات مرتبط با «شیوه والدینی» حاصل شد عبارت بود از:

□ ۱. تحلیل اطلاعات نشان داد که پدران و مادران هر دو در مقابل «دختران» مقتدرانه‌تر عمل کرده، در مقابل پسران «مستبدانه»‌تر عمل کرده و در عین حال نسبت به پسران سهل‌گیرتر از دختران هستند. این یافته با آنچه از سوی بُرنشتاین (۲۰۰۲) و فلاناکان و هاردی (۱۹۹۴)، مبنی بر تفاوت‌های شیوه والدینی بر اساس جنسیت کودک مطرح کرده‌اند هماهنگ است.

□ ۲. در حالی که شیوه «مقتدرانه» نزد پدران در مناطق محروم و برخوردار تفاوت معنی‌داری ندارد اما پدران مناطق محروم «مستبدانه»‌تر عمل کرده و در عین حال سهل‌گیرند. همچنین مادران مناطق محروم مقتدرانه‌تر و سهل‌گیرترند. همراهی استبداد والدین با سهل‌گیری آنها در مناطق محروم، شاید بدین معناست که این والدین ضمن بی‌توجهی و لاقیدی نسبت به وضعیت کلی فرزندان خود در مواجهه با رفتارهای آنها به طور مستبدانه واکنش نشان می‌دهند.

۳. تحلیل شیوه والدینی در مناطق مختلف استان چهارمحال و بختیاری نشان داد والدین در مناطق محروم مستبدانه‌ترین شیوه و والدین در مناطق برخوردار کم استبدادترین شیوه را داشته‌اند و در عین حال والدین در مناطق محروم سهل‌گیرترین والدین نیز بوده‌اند که تلفیق روش‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه در واقع حکایت از شیوه والدینی «رهایی» دارد که در مقابل رفتارهای مخالف نظر والدین با عکس‌العمل منفی همچون تنبیه مواجه می‌شوند. تفاوت شیوه‌های والدینی در محیط‌های مختلف با نتایج اکثر تحقیقات هماهنگ است (بردوی و فلور، ۱۹۹۸).

۴. محاسبه همبستگی بین شیوه‌های والدینی و «وضعیت تحصیلی» در همه ابعاد وجود دارد با این تفاوت که بین وضعیت تحصیلی و شیوه مقتدرانه والدین، رابطه مثبت وجود دارد و این بدان معناست که هرچه والدین «مقتدرتر» باشند وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان بهتر می‌شود، اما هرچه آنها «مستبدانه‌تر» یا «سهل‌گیرانه‌تر» باشند وضعیت تحصیلی فرزندان بدتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیق شوارتز و ویس، (۱۹۹۶)؛ ویستر و یافی، (۲۰۰۰)، دورنباخ و همکاران (۱۹۸۷) هماهنگ است. اما این یافته با تحلیلی که رودی و گروسک (۲۰۰۱)، ارائه داده‌اند و قبلاً به آن اشاره شد مغایرت دارد. همچنین گفته شد اشتینبرگ، دورنباخ و براون (۱۹۹۲)، نیز نشان دادند که جوانان آمریکایی - آفریقایی از شیوه والدینی مقتدرانه بهره‌ای نمی‌گیرند و این شیوه تأثیری بر پیشرفت تحصیلی آنها ندارد. لذا چائوی (۱۹۹۴)، به تفاوت تأثیر شیوه والدینی مقتدرانه در زمینه‌های فرهنگی مختلف اشاره کرده است. در همین راستا وانگ و فینی (۱۹۹۸) پی بردند که مادران چینی که به آمریکا مهاجرت کرده بودند سبک مستبدانه آنها با صلاحیت شناختی بهتر فرزندان پیش دبستانی‌شان ارتباط مثبت داشت.

۵. با تحلیل واریانس یک متغیره، در قالب الگوی عمومی خطی رابطه بین شیوه‌های والدینی با وضعیت تحصیلی همراه با سایر متغیرهای تأثیرگذار تحلیل شد و نتایج نشان داد «جنس» دانش‌آموزان، «محل سکونت» خانواده‌ها و «تحصیلات مادر» تأثیر معنی‌داری داشته‌اند. اما سن والدین و تحصیلات پدر تأثیر معنی‌داری نداشته است. ارتباط سبک زندگی و وضعیت تحصیلی بر حسب جنس دانش‌آموزان در برخی تحقیقات مانند روسل (۱۹۹۸)، تأیید اما در برخی تحقیقات دیگر تأیید نشده است به عنوان مثال جرج (۲۰۰۴)، مدعی بود که بین شیوه والدینی و جنس والدین و همین‌طور جنس کودکان تفاوتی مشاهده نشده است. در ارتباط با تأثیر تحصیلات مادر نیز یافته تحقیق حاضر با تحقیق خوانساری (۱۳۷۵)، هماهنگ است. وی نشان داد که تحصیلات پدر، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای انگیزش پیشرفت محسوب نمی‌شود و فقط

تحصیل مادر یک پیش‌بینی‌کننده معنادار برای انگیزش پیشرفت بوده و اهمیت دارد.

○ از شیوه‌های والدینی تنها «شیوه والدینی مستبدانه» و «سهل‌گیرانه مادر» با «پیشرفت تحصیلی» دانش‌آموزان ارتباط منفی داشت یعنی دانش‌آموزانی که مادرانشان مستبد یا سهل‌گیر بودند وضعیت تحصیلی نامناسب‌تری داشتند. این نتایج با برخی تحقیقات که براساس سبک‌شناسی بامریند و با گزارش کودکان از شیوه والدینی‌شان انجام شده است هماهنگ است. بامریند (۱۹۸۹)، نشان می‌دهد که نمرات پائین‌تر تحصیل با شیوه والدینی مستبدانه و سهل‌گیرانه بیشتر رابطه داشته و با شیوه والدینی مقتدرانه رابطه کمتری دارد. همچنین این یافته با نتایج مطالعات دیگری از نوجوانان که توسط لائو، لونگ و لام (۱۹۹۸)، انجام شد، هماهنگ است.

یادداشت‌ها

- 1- Authoritarian
- 2- Authoritative
- 3- Permissive
- 4- Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ)
- 5- General linear model

منابع

- خوانساری، فرزانه. (۱۳۷۵). بررسی رابطه‌ی جو عاطفی خانواده با انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستانهای منطقه ۳ شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- Amy, E.; Garrison, B.; Block, E. B.; Cramer, K.; & Tiller, V. (2002). *The influence of parenting styles on children's cognitive development*. Louisiana State University AgCenter.
- Baldwin, A. L. (1949). The effect of home environment on nursery school behavior. *Child Development*, 20, 49-62.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4, (1), 1-103.
- Baumrind, D. (1978). Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth and Society*, 9(3), 239-276.
- Baumrind, D. (1983). Rejoinder to Lewiss reinterpretation of parental firm control effects: Are authoritative families really harmonious? *Psychological Bulletin*, 94, 132-142.
- Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349-378). San Francisco: Jossey Bass.
- Beaton, A.; Mullis, I.; Martin, M.; Gonzalez, E.; Kelly, D.; & Smith, T. (1996). *Mathematics achievement in the middle school years: IEA's third international mathematics and science study (TIMSS)*. Chestnut Hill, MA: Center for the Study of Testing, Evaluation, and Educational

Policy.

- Becker, W. C. (1964). Consequences of different kinds of parental discipline. In M. L. Hoffman & L. W. Hoffman (Eds.), *Review of child development research* 1, 169-208. New York: Russell Sage Foundation.
- Boveja, M. E. (1998). Parenting styles and adolescents' learning strategies in the urban community. *Journal of Multicultural Counseling and Development*, 26, 110-119.
- Bornstein, M (Ed.). (2002). *Handbook on parenting: Children and parenting* (Vol. 1). Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Publishers.
- Brody, G. H.; & Flor, D. L. (1998). Maternal resources, parenting practices, and child competence in rural, single-parent African American families. *Child Development*, 69, 803-816.
- Chao, R. K. (1994). Beyond parental control and authoritarian parenting style: Understanding Chinese parenting through the cultural notion of training. *Child Development*, 65, 1111-1119.
- Chrispeels, J. (1996). Effective schools and home-school-community partnership roles: A framework for parent involvement. *School Effectiveness and School Improvement*, 7, 7-33.
- Christenson, S.; & Sheridan, S. (2001). Schools and families: Creating essential, collectivist cultures and implications for understanding the transmission of values. *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32, 202-212.
- Dornbusch, S. M.; Ritter, P. L.; Leiderman, P. H.; & Roberts, D. F. (1987). The relation of parenting style to adolescent performance. *Child Development*, 58(5), 1244-1257.
- Flanagan, D.; & Hardee, S. (1994). Talk about preschoolers interpersonal relationships: Patterns related to culture, socioeconomic status, and gender of child. *Merrill-Palmer Quarterly*, 40, 523-537.
- Fulgini, A. J.; & Eccles, J. S. (1993). Perceived parent-child relationships and early adolescents' orientation toward peers. *Developmental Psychology*, 29, 622-632.
- George, M. E. (2004). *Relation between parenting styles and the social status of school-age children with their peers*. A thesis submitted to the department of family and child science in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of science. The Florida State University. College of Human Sciences.
- Leung, K.; Lau, S.; & Lam, W. L. (1998). Parenting styles and academic achievement: A cross-cultural study. *Merrill-Palmer Quarterly*, 44, 157-172.
- Michelle, E.; & George (2004). *Relations between parenting styles and the social status of school-age children with their peers*. A thesis submitted to the Department of Family and Child Science. The Florida State University of College of Human Sciences.

- Robinson, C. C.; Mandelco, B.; Olsen, S. F.; & Hart, C. H. (1995). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological Reports, 77*, 819-830.
- Rudy, D.; & Grusec, J. E. (2001). Correlates of authoritarian parenting in individualist and collectivist cultures and implications for understanding the transmission of values. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 32*(2), 202-212.
- Russell, N. U. (1998). The common approach to teaching and learning. In T. P. Rohlen & G. K. LeTendre (Eds). *Teaching and learning in Japan*. (pp. 248-271). Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Schaefer, E. S. (1959). A circumplex model for maternal behavior. *Journal of Abnormal and Social Psychology, 59*, 226-235.
- Schwarz, J. C.; & Weiss, L. H. (1996). The relationship between parenting types and older adolescents' personality, academic achievement, adjustment, and substance use. *Child Development, 67*(5), 2101-2114.
- Shumow, L.; Vandell, D.; & Posner, J. (1998). Harsh, firm, and permissive parenting in low-income families. *Journal of Family Issues, 19*, 483-507.
- Slicker, E. K. (1998). Relationship of parental style to behavioral adjustment in graduating. *Journal of Youth and Adolescence, 27*(3), 345-372.
- Steinberg, L.; Mounts, N. S.; Lamborn, S. D.; & Dornbusch, S. M. (1991). Authoritative parenting and adolescent adjustment across varied ecological niches. *Journal of Research on Adolescence, 1*, 19-36.
- Steinberg, L.; Dornbusch, S. M.; & Brown, B. B. (1992). Ethnic differences in adolescent achievement: An ecological perspective. *American Psychologist, 47*, 723-729.
- Steinberg, L.; Mounts, N. S.; Lamborn, S. D.; & Dornbusch, S. M. (1991). Authoritative parenting and adolescent adjustment across varied ecological niches. *Journal of Research on Adolescence, 1*, 19-36.
- Stevenson, H. W.; & Lee, S. (1990). Contexts of achievement: A study of American, Chinese, and Japanese children. *Monographs of the Society for Research in Child Development, 55*, (1).
- Wang, C. H. C.; & Phinney, J. S. (1998). Differences in child rearing attitudes between immigrant Chinese mothers and Anglo-American mothers. *Early Development and Parenting, 7*, 181-189.
- Wintre, M. G.; & Yaffe, M. (2000). First-year students' adjustment to university life as a function of relationships with parents. *Journal of Adolescent Research, 15*, 9-37.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی